

نگرش اسلامی و سوانح طبیعی



حسن غفوری آشتیانی*

چکیده

برای کاهش خطرپذیری -ریسک- ناشی از سوانح طبیعی در کشورهای در حال توسعه، علاوه بر نیاز به استفاده از دانش، علم و فناوری؛ نیاز به حداکثر مشارکت عمومی آمیخته با شناخت حقایق علمی و واقعیت‌های طبیعی، دانش بومی، فرهنگ و سنت‌های تاریخی و باورهای دینی دارد. لذا با توجه به تأثیر باورهای دینی در رفتار انسان‌ها، سعی شده است با بهره‌مندی از آموزه‌های غنی اسلامی با رویکرد آموزشی و فرهنگ سازی مردم به ویژه جوامع مذهبی؛ بتوانیم مردم را خواهان ایمنی نموده تا در جهت کاهش مؤثر خطرپذیری قدم‌های موثری برداریم. در این مقاله تلاش شده است تا با شفاف سازی و بیان نقطه نظرات دین اسلام در رابطه با سوانح طبیعی و زندگی انسانی؛ تصورات و مفاهیم غلط شکل گرفته در سطح عوام از زلزله راصلاح نمائیم. بدین منظور اصول راهبردی کاهش خطرپذیری ناشی از سوانح به خصوص زلزله

* استاد پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله رئیس انجمن مهندسی زلزله ایران.

مبتنی بر نظر اسلام با بهره‌مندی از قرآن و احادیث در ارتباط با زلزله، سوانح، نعمت‌های خدا، زمین، کردار نیک، رفتار انسانی و ایمنی انسان ارائه شده است.

کلید واژه‌ها: اسلام، قرآن، زلزله، سوانح طبیعی، ایمنی، کاهش خطرپذیری.

مقدمه

در ادوار گذشته، مردم بر این باور بودند که سوانح طبیعی نشانه قدرت مادر طبیعت است و ترس از سوانحی چون طوفان، سیل، خشکسالی، زلزله، کسوف و سایر بلاهای طبیعی به قدری زیاد بود که قادر به درک صحیح آن‌ها نبودند. انسان‌ها در برابر این وقایع، ضعیف و آسیب‌پذیر بودند و ادامه حیات در میان طبیعت درنده‌خوتنها هدفی بود که در زندگی دنبال می‌کردند. آن‌ها می‌پنداشتند که نیروهای مطلق و قدرت‌مندی مسبب این بلاها هستند. به گفته کشیشان، سوانح، اراده خدایان بوده است و راهی جز اعتقاد یافتن یا ایمان آوردن به آن‌ها وجود ندارد. مردم نیز برای جلوگیری از وقوع دوباره این سوانح، به گفته آن‌ها، برای خشنود ساختن خدایان، حاضر به انجام هرکاری بودند. به عنوان مثال، مردم مایای کهن خدایانی مانند خدای طوفان - هوراکان، برگرفته از Hurricane -، خدای زلزله - پیلان -، خدای رعد و خدای خدایان داشتند. پیلان، با کمک پیروان ارواح شیطانی، باعث ایجاد زلزله و انفجارات آتشفشانی می‌شود.

تمدن‌های یونان، رم و مصر همگی خدایانی داشتند که مردم نافرمان را به هلاکت می‌رساندند. همچنین از سوانح به عنوان خشم این خدایان نیز نام برده شده است. تاریخ در واقع آکنده از شواهدی است که کشیشان و فرمانروایان با بهره‌گیری از ترس مردم، تحت عنوان خدا یا خدایان بر آن‌ها ستم روا می‌داشتند. بر این اساس، لازم است تا آنچه را که به غلط در مورد سوانح در میان جوامع سنتی رواج یافته با استفاده از همان طریق ایجاد آن، شفاف سازی نمود.

امروزه، دانش وسیعی در خصوص سیاره زمین، قوانین فیزیکی حاکم بر آن، چگونگی و علت وقوع رویدادهای طبیعی وجود دارد. با وجود این، وقوع رویدادهای طبیعی توسط بشر قابل کنترل نیست و در بسیاری از موارد نیروهای زیست محیطی چنانچه از پیش توسط متخصصین طراحی، برنامه ریزی و یا پیشبینی شده بودند،

عمل نمی‌کنند. علاوه بر این، عدم به کارگیری دانش، تحقیقات، دستورالعمل‌ها، آیین نامه‌ها و نظریه‌های موجود به منظور ارتقاء سطح ایمنی در برابر آسیب پذیری از یک سو و تبدیل دانش مهندسی به سطحی که برای مردم قابل درک و باور باشد تا بپذیرند اقدام علمی کنند از سوی دیگر، شاهدی بر این مدعاست. در نتیجه با تصورات غلط و خرافات پیشینیان، بسیاری از مردم همچنان بر این باورند که پیشگیری از سوانح امری بعید است. در هر دو زمان گذشته و حال، گرایش انسان برای مرتبط ساختن سوانح طبیعی با افسانه‌ها، دین و یا روانشناسی وجود داشته و دارد. این باور محکم که علم به قدر کافی قادر به حفاظت از انسان‌ها نیست، باعث شده تا آن‌ها به دنبال دلایل دیگری برای وقوع حوادث طبیعی باشند و این فرآیند همواره در میان مردم رواج داشته و دارد؛ حتی امروزه هم، آن‌ها از زلزله و سایر رویدادهای طبیعی به نام دین بهره می‌جویند. این گرایش نامطلوب پس از سونامی اندونزی، سریلانکا و هند در سال ۲۰۰۴، طوفان کاترینا در سال ۲۰۰۵ در آمریکا و زلزله‌های ایران و پاکستان به وضوح به چشم می‌خورد. علاوه بر این، زمانی که سخن از «خشم خدا»، و «چرایی وقوع چنین حوادثی» به میان می‌آید، شواهد علمی اغلب به عنوان غفلت دینی به کلی نادیده گرفته شده و دلایل مذهبی علت عمده خسارات و تلفات تلقی می‌شود؛ لذا برای جلوگیری از این تفکرات نادرست، آگاهی، هشیاری و رعایت اصول عقلی می‌تواند باعث نجات جان و حیات بشر شود.

امروزه وجود خطر زلزله و تلفات انسانی ناشی از آن نیازمند آغاز جدیدی برای ایجاد ارتباط با جوامع سنتی و کاهش خطرپذیری ناشی از آنهاست و لازم است تا رویکرد جدیدی برای تغییر ذهنیت جوامع سنتی در خصوص تصوراتی مانند تلقی اراده یا خشم خدا از سوانح اتخاذ گردد و تصورات نادرستی همچون مرتبط دانستن مستقیم آن‌ها با تقدیر و اراده خدا بر مرگ یا بقای انسان‌ها در برابر سوانح و یا پناه بردن به مساجد و مکان‌های مقدس را به عنوان مکان‌های امن در برابر آسیب‌ها، نظیر آنچه که در زلزله ازمیت - ترکیه - در سال ۱۹۹۹ و سونامی سال ۲۰۰۴ در اندونزی بیان شده بود، به روشنی توضیح دهند. به عبارت دیگر، نباید سهل‌انگاری و اقدامات خطرآفرین خود را که باعث کشته شدن می‌شود، مستقیماً به تقدیر خداوند متعال ارتباط داد و خداوند را مسؤول خطاها و اشتباهات و بلایا دانست. با مراجعه به آیات قرآن کریم، اشارات،

بیشتر به بخشندگی خداوند است نه به خشم و غضب الهی. شایان ذکر است نویسنده تاکنون با هیچ آیه یا حدیث معتبری از پیامبر^(ص) مبنی بر این که زلزله یا سایر سوانح نشانه‌ای از خشم خداست، برخورد ننموده است. حال آن که در احادیث بسیاری به لزوم توجه به اصول علمی و عقلی، رعایت کیفیت و دقت در کارها، ساختن بنا، استفاده از عقل و علم برای ایمنی در برابر سوانح و پیشگیری از وقوع آن‌ها اشاره شده است.

در عصر حاضر که دوران رشد علم، دانش و دانایی است، نباید نادانی و اعمال ناصحیح و غیر علمی و فنی انسان به خشم خداوند نسبت داده شود و لازم است نگرش سنتی تقدیر سوانح طبیعی تغییر یابد و زمان آن رسیده است که با درک اهمیت شناخت علم، پژوهش، فناوری و عقل سلیم زندگی انسان‌ها را نجات داد. حفظ جان انسان‌ها بدون به کارگیری دانش و خردی که خداوند به ما انسان‌ها و درک از قرآن و اسلام بخشیده، امکان پذیر نیست و به طور کلی بشر نمی‌تواند و توصیه هم نشده است که تنها با اتکاء به مفاهیم ماوراء الطبیعه زندگی کند.

نکته قابل ذکر این است که نگارنده اسلام شناس نیست؛ اما اعتقاد راسخ دارد که می‌توان با استفاده از مفاهیم و تعالیم اسلامی، انگیزه و اراده قوی تری برای کاهش خطرپذیری لرزه‌ها در میان کشورها و جوامع اسلامی ایجاد نمود. همچنین، بر اساس درک نویسنده از ادیان ابراهیمی و ادیانی که به خدای یکتا معتقدند - مسیحیت، اسلام و غیره -، مفاهیم ارائه شده می‌تواند قابل استفاده برای تمامی آن‌ها نیز باشد. از آنجا که اهداف مهمی برای ایمنی بشر، حیات و پیشرفت او در نظر گرفته شده، این مبحث از سایر جوانب زندگی نیز قابل بررسی است و می‌تواند تنها به سوانح طبیعی و زلزله محدود نشود. بدیهی است این بحث در آینده با دانش تخصصی بیشتر نیازمند بهبود می‌باشد.

مفاهیم کلیدی در مدیریت کاهش خطرپذیری زلزله

برای درک بهتر نگرش اسلام بر زلزله، سوانح طبیعی و ایمنی انسان‌ها، لازم است که ابتدا مفاهیم کلیدی در مدیریت کاهش خطرپذیری سوانح با تأکید بر زلزله‌ها، که مهم‌ترین منبع خطر در برخی از پرجمعیت‌ترین کشورهای اسلامی در جهان مانند: ایران، ترکیه، عراق، افغانستان، پاکستان و اندونزی است، بیان شود. زلزله‌ها به عنوان

عامل اصلی خطرپذیری، وقایع اجتناب‌ناپذیر و گسلش زمین غیرقابل کنترل و خارج از اداره بشرند و وقوع آن‌ها برای پایداری ساختار زمین لازم است و یکی از نعمت‌های خداوند محسوب می‌شود. آثار ثانویه زلزله شامل سونامی، خطرهای ژئوتکنیکی مانند زمین لغزش‌ها و روان‌گرایی نیز باید به عنوان حقایق غیرقابل انکار زمین و طبیعت پذیرفته شود.

پتانسیل و میزان خطرپذیری و ریسک که انسان‌ها با آن مواجه‌اند برحسب آسیب‌پذیری ناشی از زلزله، که بیان‌کننده میزان احتمال خرابی در محیط ساخته شده بشری است - مستحذات شهری -، تعیین می‌شود. شواهد علمی و مشاهدات تجربی نشان داده است که این آسیب‌پذیری‌ها به خصوص در کشور ما، ناشی از ضعف یا نامناسب بودن توسعه شهرها، برنامه‌ریزی، طراحی، ساخت و ساز سازه‌های ضعیف و نامناسب با میزان خطر زلزله محتمل است. موضوع خسارات با تخریب ساختمان‌ها و تأسیسات شهری تمام نمی‌شود، در این مستحذات، انبوه سرمایه‌های انسانی و اقتصادی و فرهنگی وجود دارد که بر اثر آسیب‌پذیری مستحذات، آسیب می‌بینند. به عبارتی تلفات انسانی و اقتصادی ناشی از زلزله، ناشی از خرابی و آسیب به مستحذات است. امروزه ارزش سرمایه‌های انسانی و اقتصادی انباشت شده در مستحذات شهرها نسبت به گذشته بیشتر و با روند توسعه و سرمایه‌گذاری‌ها رو به افزایش است. خطرپذیری زلزله با مفهوم سیستم‌های انسانی، اقتصادی - اجتماعی، که تعیین‌کننده سلامت و سرمایه‌های مردم در زمان وقوع سوانح است، نیز شناخته می‌شود. تأثیر واکنش اضطراری یکی دیگر از متغیرهای مهمی است که در میزان ایمنی انسان‌ها تأثیرگذار است و وابسته به پارامتر مدیریت در رابطه زیر است. از نظر ریاضی خطرپذیری زلزله با رابطه برهم‌کنش سه پارامتر خطر، آسیب‌پذیری و سرمایه می‌باشد. که این رابطه نشان می‌دهد که خطرپذیری زلزله در ایران زیاد و غیرقابل کنترل است. دلیل این امر، افزایش سرمایه‌های انسانی با گذشت زمان، مدیریت شهری ضعیف و شهرسازی نامناسب در گذشته بوده است.

خطرپذیری ناشی از پیامدهای خطر زلزله بر ساختار محیط ساخته شده بشری و مسائل اجتماعی و انسانی است.

بر اساس توضیحات ارائه شده، برای کاهش ریسک تنها دو راه کاهش آسیب‌پذیری

و بهبود مدیریت وجود دارد؛ لذا اصول راهبردی حاکم بر کاهش و کنترل خطرهای ناشی از زلزله را می‌توان به شرح ذیل خلاصه نمود:

۱. باور به قوانین طبیعت و وجود گسل‌های فعال، لرزه‌خیزی و خطر زلزله و این‌که بقای انسان در برابر سوانح طبیعی تنها در صورتی امکان پذیر است که آمادگی، ساخت و سازهای ایمن و متناسب با نیروها و خطرهای طبیعت وجود داشته باشد.

۲. برای دستیابی و موفقیت در کاهش خطرپذیری، به انجام اقدامات مؤثر و استفاده از شیوه‌های جامع و فراگیر-جامعیت- نیاز است؛ لذا نگاه به زلزله باید از بررسی عوامل تأثیرگذار بر خطر تا آثار ناشی از آن به صورت جامع باشد. نگاه يك جانبه و تك بعدی به زلزله باعث کاهش خطرپذیری و حفظ جان انسان‌ها نمی‌شود.

۳. مدیریت علمی و حاکمیت خوب، امری ضروری برای موفقیت برنامه‌های کاهش خطرپذیری است. کاهش خطرپذیری بدون دانش و مدیریت علمی امکان پذیر نیست. مسؤولان و مردم باید با شناخت در راستای کاهش و کنترل خطرپذیری اقدام عملی انجام دهند. باید واقعیت‌های علمی و عقلی را باور داشته باشند و با استفاده از دانش موجود و تبعیت از راهنمایی‌ها و توصیه‌های متخصصین گام بردارند.

۴. هدف کاهش خطرپذیری، توسعه پایدار و حفظ جان انسان‌ها و سرمایه‌های کشور است. این هدف فقط با تلاش‌های گروهی متخصصان، مسؤولان و مردم در همه زمینه‌های مرتبط با خطرپذیری و توسعه‌ای و با مدیریت مطلوب تحقق پیدا می‌کند.

۵. مدیریت خطرپذیری موفق نیازمند به همکاری، شکیبایی و شفافیت در روند فعالیت‌هاست. کاهش خطرپذیری نیازمند فعالیت‌های بلندمدت بر پایه سیاست‌های پایدار و با شکیبایی در انجام اقدامات تدریجی و مرحله‌ای انجام پذیر است. همچنین حاکمیت و مدیریت باید مسؤولیت کامل انجام اقدامات برنامه ریزی شده را برعهده گرفته و پاسخ‌گو در برابرتفاقات باشد.

در ادامه، چگونگی بهره‌بردن و استفاده از تعالیم اسلامی در تقویت اجرای این اصول راهبردی پیشنهاد شده است و این‌که مردم چگونه می‌توانند از طریق افزایش آگاهی عمومی، از خطر سوانح در امان بمانند و با ارتقاء فرهنگ ایمنی و پیشگیری از آسیب‌ها از نقش خود در فرآیند کاهش آسیب‌پذیری و ریسک مطلع شوند و اقدام مناسبی انجام دهند.

۳. قرآن کتابی جامع، چند منظوره و تفسیرکننده چند بعدی است؛ به طوری که برای تمامی اعصار معتبر است و در همه موضوعات مرتبط با زندگی انسان، کاربرد دارد: «وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ»... (النحل، ۱۶/۸۹)؛ «ما برتواین قرآن عظیم را فرستادیم تا حقیقت هر چیزی را روشن کند...» به عبارت دیگر، کلام ساده و دقیق آیات قرآن که برای آگاهی تمامی قشرهای جامعه از عوام تا خواص قابل استفاده است، قادر است معانی چندگانه‌ای را آشکار و برای موضوعات مختلف مثالی ارائه کند که برای مردم با سطوح مختلف علمی قابل فهم باشد و برای تکامل زندگی و رفتار انسان از نظر معنوی و مادی به کار برده شود.

۴. اصول اسلام مبتنی بر شناخت، عقل، تجربه، کشف و شهود است.

۵. رهبری فرزانه، برگزیده، خردمند و دانا «أُولَى الْأَمْرِ» و «أُولُو الْأَلْبَاب» باید در زندگی انسان‌ها جاری باشد. «أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ» (الزمر، ۳۹/۹)؛ «آیا آنانکه اهل علم و دانش‌اند با مردم جاهل نادان یکسان‌اند؟» و «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (النساء، ۴/۵۹)؛ «ای اهل ایمان، فرمان خدا و رسول و فرمانداران [از طرف خدا و رسول، اولی الامر] را اطاعت کنید...» بنابراین انسان باید با شناخت و دانش تحت امر ولایت و رهبری امام زمان خود زندگی کند. یکی از اهداف اسلام تسلط عقل و علم بر نادانی و جهل است.

۶. در اسلام کارگروهی و جمعی، فعالیت‌های اجتماعی، مسئولیت‌های اجتماعی، همکاری و مشورت در جنبه‌های گوناگون زندگی و از جمله مورد توجه قرار دادن همه قشرها ارزش والایی دارد. «وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (الشوری، ۴۲/۳۸)؛ «آنانکه امر خدا را اجابت و اطاعت کردند... و کارشان را به مشورت یکدیگر انجام دادند».

در حدیثی از حضرت محمد (ص) آمده است که در کارهای گروهی، از کمک خداوند بهره مند می‌شوید. حضرت علی (ع) فرمودند: «یدالله مع الجماعة»؛ «دست خدا با جماعت است». در اسلام بر برگزاری نماز جماعت که نمادی از وحدت اسلامی است،

تأکید بسیاری شده است.

۷. انسان‌ها ببری از گناه و پاک به دنیا می‌آیند و توانایی کامل برای رشد و دست‌یابی به موفقیت، سلامت و تکامل - سعادت - را دارند. اسلام انسان‌ها را به حفظ خلوص - پاکی - و رشد توانایی‌هایشان تشویق نموده است. تمامی دستورات خداوند برای رشد و تعالی انسان سالم است.

۸. اراده خداوند - تقدیر و سنت الهی - مبتنی بر اعمال و رفتار انسان است. انسان بدون تلاش، نیکی، سخت‌کوشی و ایمان راسخ نمی‌تواند به کمال و خشنودی خداوند دست یابد.

۹. خداوند در تمامی جوانب زندگی به انسان اختیار تام و قدرت تمیز خوب و بد را داده است ﴿فَاللَّهُمَّهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا﴾ (الشمس، ۸/۹۱). او همچنین به انسان قدرت انتخاب در مورد آنچه که می‌خواهد انجام دهد، داده است و این‌که چگونه از جبرگرایی و مجبور بودن در انجام کارها اجتناب کند. هر فردی می‌تواند با انجام اعمال مناسب و صحیح مسیر امن و بی‌خطری را برای خود در تمام ابعاد زندگی انتخاب کند.

۱۰. انسان هیچ حقی برای آزار رساندن به خود و دیگران را ندارد. آزار و یا آسیب رساندن به دیگران گناهی نابخشودنی است؛ مگر این‌که از فرد آسیب دیده طلب بخشش نماید.

۱۱. رعایت کردن و احترام گذاشتن به حقوق دیگران از واجبات و از اهمیت زیادی برخوردار است و به رعایت حق الناس در اسلام بسیار تأکید شده است.

۱۲. انسان در اعمال خود باید به قوانین احترام بگذارد و از آن‌ها پیروی نماید؛ خواه این اعمال مرتبط به این جهان و یا جهان پس از مرگ یا خواه اعمالی فردی یا جمعی باشد. فتوای حضرت امام^(ع) در لزوم رعایت کلیه قوانین اجتماعی، نمونه‌ای بارز از این واقعیت است.

۱۳. در امر به معروف، مردم به انجام اعمال نیک فرا خوانده می‌شوند. برعکس، نهی از منکر، آن‌ها را از انجام عمل ناصالح منع می‌کند. ﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (آل عمران، ۱۰۴/۳)؛ «و باید از شما مسلمانان برخی خلق را به خیر و صلاح دعوت کنند و مردم را به نیکوکاری امر و از بدکاری نهی کنند و اینان که به حقیقت واسطه هدایت خلق هستند در کمال فیروزبختی و رستگاری خواهند بود».

۱۴. گناه، سرپیچی از فرمان خداوند، بی توجهی به قوانین و عدم به کارگیری معرفت و دانش در امور دنیوی و اخروی است. استفاده ناصحیح از نعمت‌های خداوند و نعمت‌های طبیعی و تخریب طبیعت، گناه است.

با عنایت به موارد مذکور، روشن است که بسیاری از مفاهیم کلیدی در اسلام از اصول راهبردی کاهش خطرهای ناشی از زلزله و پیشگیری از وقوع سوانح طبیعی حمایت می‌کند. در بخش بعدی پس از نگرشی اجمالی به مسائل مرتبط با زلزله در قرآن، مفاهیم نادرست در خصوص سوانح طبیعی و ارتباط آن با گناه و خشم خدا به روشنی توضیح داده شده است.

نگرش قرآن بر زلزله

قرآن کریم منبع اصلی اندیشه مذهبی در اسلام و معانی چند بعدی آن، مرجع اصلی هدایت انسان در همه جوانب زندگی است که به طور کامل و جامع با همه موضوعات و در همه اعصار منطبق و سازگار است. معنای آیات قرآن را می‌توان با بیانات پیامبر (ص) که مکمل قرآن و به همان اندازه معتبر است نیز تفسیر نمود و به روشنی توضیح داد. به منظور درک بهترین نگرش و اجتناب از تعابیر و تصورات غلط در جامعه اسلامی، در این بخش از مقاله آیات قرآنی مرتبط با زلزله، اصول مزبور و ایجاد ارتباط میان آن‌ها با فعالیت‌های مورد نیاز برای کاهش خطرپذیری زلزله بررسی شده است.

واژه «زلزله» به طور مستقیم در سوره زلزال و به طور غیر مستقیم در سوره‌های مختلفی مانند: (الأعراف، ۷/۷۸، ۹۱، ۱۵۵، ۱۷۱)؛ (النحل، ۱۶/۲۶)؛ (الأسراء، ۱۷/۳۷، ۶۸)؛ (العنکبوت، ۳۷/۲۹)؛ (سبا، ۳۴/۹)؛ (المملک، ۱۶/۶۷)؛ (الحاقه، ۶۹/۵) ذکر شده است. در این سوره‌ها به مفاهیم پایان این دنیا و روز قیامت و نیز رویداد طبیعی زلزله اشاره شده است. معنای این مفاهیم را می‌توان به عنوان هدف اصلی این مقاله ذکر نمود.

۱. اشاره مستقیم به زلزله: آیاتی که در آن‌ها به زمین و پدیده زلزله به طور مستقیم اشاره شده است عبارتند از:

اول: «وَفِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مُتَجَاوِرَاتٌ...» (الرعد، ۱۳/۴) «و در زمین قطعاتی مجاور و متصل است...».

این آیه نشان دهنده آن است که به مفاهیمی چون صفحات تکتونیکی زمین و

تحول زمین که توسط دانشمندان علوم زمین در قرون اخیر شناخته شده، بیش از ۱۴۰۰ سال پیش در قرآن اشاره شده است.

دوم: ﴿فَأَخَذْتَهُمُ الرَّجْفَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ﴾ (الأعراف، ۷۸/۷، ۹۱)؛ «پس زلزله ای بر آن ها آغاز گردید تا آن که همه در خانه خود از پای درآمدند».

این آیه به مفهوم وقوع ناگهانی سوانح، به ویژه زلزله اشاره دارد.

سوم: سوره زلزال: ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا * وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا * يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا * بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا * يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ * فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾ (الزلزلة، ۱/۹۹-۸)؛

«به نام خداوند بخشنده مهربان * هنگامی که زمین به سخت ترین زلزله به خود لرزید * و بارهای سنگین اسرار درون خویش همه را از دل بیرون افکند * در آن روز محشر آدمی گوید: زمین را چه پیش آمد * آن هنگام زمین مردم را به حوادث بزرگ خویش آگاه می سازد * که خدا به او چنین الهام کند * در آن روز مردم از قبرها پراکنده بیرون آیند تا نتیجه اعمال خود را ببینند * و هر کس به قدر ذره ای کار نیک کرده، آن را خواهد دید * و هر کس به قدر ذره ای کار زشتی مرتکب شده آن هم به کیفرش خواهد رسید».

اکثر دانشمندان اسلامی این سوره را به روز قیامت و یا زلزله ای که مبین پایان این دنیا است مرتبط می دانند. با وجود این، معنای ساده و روشن آیه اول این سوره رویداد زلزله را به سادگی توضیح داده است. با این نگرش، آیه ششم به شرایطی اشاره دارد که انسان نتیجه اعمال خود را در هر عملی از جمله آنچه که در ساخت و ساز انجام داده است، مشاهده می کند. کسانی که ساخت و ساز صحیح انجام داده نتایج خوب آن را که ایمنی است خواهند دید و آن هایی که از اصول ایمنی ساخت و ساز تبعیت نکرده اند و دچار خطا شدند، نتایج ناخوشایند و ویرانی را مشاهده خواهند کرد. آیات هفتم و هشتم نیز به این امر اشاره دارد که حتی ذره ای کار صحیح در رابطه با ایمنی زلزله و ساخت و ساز و توسعه ایمن به نتایج مثبت منجر خواهد شد.

به عبارت دیگر، ذره ای خطا یا نادیده گرفتن ایمنی، نتایج آشکاری را به همراه خواهد داشت. در تفسیر آیه هشتم می توان این گونه بیان کرد که ساختن حتی یک ساختمان ایمن، نیاز جامعه را به سیستم واکنش سریع در زمان بحران کاهش خواهد داد. هم چنانکه هر ساخت و ساز ناامن یا عمل خطا در این زمینه، نیاز به این سیستم

را افزایش و در نتیجه تلاش‌های بیشتری را برای عمران پس از زلزله می‌طلبد. مشابه این مفهوم در سوره قصص نیز بدین گونه آمده است: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى الَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (القصص، ۲۸/۸۴)؛ «هر که عمل نیک آرد پاداش بهتر از آن یابد و هر کس عمل بد کند جز به همان اعمال بد مجازات نشود».

روشن است که برای کسب نتایج مثبت پس از زلزله، قرآن با ارائه مفاهیم زمین‌شناسی، وقوع ناگهانی سوانح و لزوم عملکرد صحیح و اجتناب از هرگونه خطای ناچیز ما را در این مسیر هدایت کرده است.

۲. ایمان و عمل صالح در قرآن: یک مفهوم کلیدی در کاهش خطرپذیری، طراحی ایمن و متناسب سازه‌ها با توجه به میزان احتمال وقوع خطر-سطح مورد انتظار از خطر-همراه با ساخت و ساز با کیفیت مطلوب است. این مفهوم زمانی محقق می‌شود و مردم به آن عمل می‌کنند که وقوع زلزله را حتمی بدانند و باور کنند و بپذیرند که قوانین، دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های طراحی و ساخت و ساز مقاوم لازمه ایمن بودن در برابر زلزله است.

به عبارت دیگر، ایمان و انجام عمل صالح را که در همه مسائل زندگی کاربرد دارد و لازمه رشد و موفقیت است، رعایت نمایند تا در برابر سوانح طبیعی و غیرمترقبه ایمن باشند. این مسأله در قرآن در قالب دو مفهوم تکمیلی «ایمان» و «عمل صالح» به عنوان اصول پایه‌ای اسلام و در واقع همه مذاهب و نیز اصل راهبردی کاهش خطرپذیری مورد خطاب قرار گرفته است.

برخی از سوره‌ها و آیات مرتبط قرآن در این خصوص عبارت‌اند از:
اول: سوره «العصر»: از این سوره با توجه به معانی چند بعدی قرآن می‌توان در خصوص جلوگیری از خسارات کاهش تلفات انسانی در حوادث طبیعی مانند زلزله نیز استفاده نمود. آیات این سوره به این شرح است:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ * إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ﴾ (والعصر، ۱/۱۰۳-۳)؛ «نام خداوند بخشنده مهربان، قسم به عصر و زمان که انسان در خسارت و زیان است مگر آنان که به خدا ایمان آوردند و نیکوکار شدند و به درستی، راستی و پایداری در دین یکدیگر را سفارش کردند».

تعالیم اساسی این سوره و درس‌هایی که می‌توان در مورد زلزله گرفت عبارت‌اند از: از لحاظ «ایمان» لازم است که خدا، حکمت و هدایت او را در تمامی جوانب زندگی همه موجودات و از جمله قوانین طبیعت و وجود زلزله به عنوان پدیده‌ای طبیعی شناخت و ایمان آورد و به رحمت او به عنوان انگیزه اصلی در انجام اعمال صحیح برای ایمنی و حیات اعتقاد داشت. اعمال صالح که برپایه شناخت، دانش و عقل است، مورد تشویق واقع شود؛ زیرا موجب موفقیت در پیشگیری از تلفات می‌شود. صبر-با توجه به معنای مثبت صبر در قرآن-، موجب ایجاد انگیزه و تشویق در انجام اعمال صحیح و صالح و پرهیز از عمل ناصحیح و گناه برای پیشگیری از مرگ و میر می‌شود. صبر، امید و تداوم تلاش‌های مثبت از عوامل اساسی در کاهش تلفات و خطرپذیری است. رعایت چهار اصل ایمان، انجام عمل صالح و خوب، گسترش حق و درستی و شکیبایی برای توفیق و سعادت در زندگی دنیوی، اجتماعی و اخروی به مسلمانان توصیه شده تا دچار خسران در این دنیا و آخرت نشوند. يك مصداق این آیه می‌تواند در مورد عمل صالح برای ایمن بودن در برابر سوانح باشد تا باعث حفظ جان انسان‌ها و توسعه گردد.

دوم: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا» (النساء، ۴/۱۲۲)؛ «آنان را که به خدا گرویدند و کارها به صلاح [خود و خلق] کردند بزودی آن‌ها را به بهشتی در می‌آوریم...».

سوم: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتُ النَّعِيمِ» (لقمان، ۳۱/۸)؛ «آنانکه به خدا ایمان آوردند و به اعمال نیکو پرداختند باغ‌های پر نعمت مخصوص آن‌ها است».

چهارم: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا» (الأساء، ۱۷/۹)؛ «همانا این قرآن خلق را به استوارترین طریقه هدایت می‌کند و اهل ایمان را که نیکوکار باشند به اجر و ثواب عظیم بشارت می‌دهد».

پنجم: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا» (الکھف، ۱۸/۳۰)؛ «آنانکه به خدا ایمان آوردند و نیکوکار شدند ما هم اجر نیکوکاران را ضایع نخواهیم گذاشت».

ششم: «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (البقرة، ۲/۱۹۵)؛ «از مال خود در راه خدا انفاق کنید و خود را به مهلکه نیفکنید و نیکویی

کنید؛ زیرا خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد».

مشاهده می‌شود که قرآن در آیات مختلفی از ایمان به عنوان لازمه انجام عمل صالح برای کسانی که خواهان دستیابی به موفقیت و پاداش هستند، یاد می‌کند تا در برابر سوانح طبیعی ایمن بمانند؛ بنابراین اعمال آنان باید اعمالی نیک و کارهایی با کیفیت مطلوب باشد. پس می‌توان نتیجه گرفت که:

ا: هدایت خالق در جهت بهترین عملکرد انسانی و زندگی است. انسان با اراده و اختیار، آگاهی و دانش خود تشویق می‌شود که از این هدایت جامع، که در برگرفته همه جوانب زندگی است، پیروی کند؛

ب: عقل، قوانین، مهارت‌ها، پذیرش، احترام گذاشتن و پیروی از قوانین و مقررات معنوی، فردی، اجتماعی و تخصصی سرلوحه اعمال قرار گیرد؛

ج: در هر موقعیتی بهترین اعمال و رفتار انجام شود. اعمالی که مبتنی بر پایه ایمان و شناخت صحیح باشد؛

د: با استفاده صحیح از دانش و خرد، از نعمت‌های پروردگار و طبیعت بهره صحیح گرفته شود؛

ه: اعمال صحیح در رابطه با زلزله به معنای تبعیت از متخصصین، حصول اطمینان از برنامه ریزی و توسعه متناسب با خطر، ساخت و ساز بر اساس آیین نامه‌ها و مقررات ساختمانی و ساخت ساختمان‌های ایمن در برابر زلزله است.

اگر انسان به عنوان فرد یا در متن جامعه از این اصول در تمامی جوانب زندگی‌روزانه خویش تبعیت کند، سوانح طبیعی به سوانح اسفبار منجر نخواهد شد و ایمنی، بخش تفکیک‌ناپذیر از روند توسعه هر ملت و امتی خواهد بود.

۳. امر به معروف و نهی از منکر «نظارت عمومی»: مدیریت و حاکمیت خوب و مناسب، لازمه اقدامات مؤثر در کاهش خطرپذیری و اجرای کامل، نپذیرفتن خلاف در جهت نقض مقررات است. این مسأله به امر به معروف گسترده و جامعی نیاز دارد و توسط مسئولین و به خصوص مردم، نقش تعیین‌کننده‌ای بدون صرف هزینه زیاد در کشورهای توسعه یافته ایفا می‌کند. برای تشویق به مشارکت عمومی و جامعه در اجرای نظارت می‌توان از مفاهیم امر به معروف و نهی از منکر استفاده نمود. این به معنای؛ دعوت از مردم و تشویق آن‌ها برای انجام اعمال نیک و نهی از اعمال نادرست است.

این دوازده مفاهیم اساسی در اسلام است که می‌توان از آن‌ها در اجرای مؤثر برنامه‌های کاهش خطرپذیری و حصول اطمینان از رعایت مقررات و دستورالعمل‌ها استفاده نمود. به عنوان مثال، آیات ۱۰۴ و ۱۱۰ سوره آل عمران به این مفهوم اشاره دارند: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ ءَامَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ» (آل عمران، ۱۱۰/۳)؛ «و باید از شما مسلمانان برخی خلق را به خیر و صلاح دعوت کنند و مردم را به نیکوکاری امر و از بدکاری نهی کنند و اینان که به حقیقت واسطه هدایت خلق هستند در کمال فیروزبختی و رستگاری خواهند بود».

«كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ ءَامَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ» (آل عمران، ۱۱۰/۳)؛ «شما مسلمانان نیکوترین امتی هستید که بر آن قیام کردند که مردم را به نیکوکاری تشویق کنند و از بدکاری باز دارند و ایمان به خدا آورند و اگر اهل کتاب همه ایمان می‌آوردند بر آنان در عالم چیزی بهتر از آن نبود؛ لیکن برخی از آن‌ها با ایمان و بیشتر فاسق و بدکارند».

از آنجا که عدم رعایت مقررات و دستورالعمل‌ها و استفاده نامناسب از زمین و طبیعت در کشورهای در حال توسعه امری رایج است و از موانع اساسی در موفقیت برنامه‌های کاهش خطرپذیری زلزله نیز به شمار می‌آید، استفاده از این مفهوم کلیدی در جوامع اسلامی مشارکت و نظارت جامعه را افزایش می‌دهد که این امر می‌تواند وسیله‌ای برای جلوگیری از نقض مقررات خصوصاً توسط سازندگان غیرقانونی باشد.

۴. گناه: مفهوم کلیدی دیگری که در تمامی ادیان و اعتقادات بدان اشاره شده گناه است. در گذشته، در بسیاری از جوامع سنتی، وقوع سوانح را نتیجه گناه مردم می‌دانستند. این نگرش را می‌توان با نگاه دقیق‌تر به معنا و مفهوم گناه در اسلام و نیز با بررسی این مسأله که چگونه گناه باعث سوانح می‌شود، توضیح داد.

گناه در اسلام، عدم پیروی از دستورات الهی است که در نتیجه غفلت، نداشتن ایمان و انجام اعمال خلاف ندای وجدان صورت می‌گیرد که به طور جزئی‌تر به صورت زیر خلاصه می‌شود:

أول: سوء استفاده از بهترین نعمت‌های خداوند که همان توانایی انسان، عقل، اراده و اختیار است و یا استفاده از توانایی انسان در جهت نادرست که به انجام عملی منجر

می‌گردد که باعث آسیب یا سانحه می‌شود.

دوم: عدم استفاده از دانش و خردی که خداوند همراه با اختیار و اراده به انسان بخشیده و انجام اعمال نادرستی که آسیب به خود یا دیگران منجر می‌گردد.

سوم: استفاده نادرست از طبیعت، به عنوان مثال، توسعه و ساخت و سازی که به محیط زیست و طبیعت آسیب برساند.

چهارم: آسیب و ضرر رساندن به خود گناه است. این آسیب می‌تواند مرتبط با سلامت، ایمنی و دارایی‌های فرد و محیط زیست باشد.

پنجم: عدم رعایت حقوق فردی و قوانین اجتماعی و پایمال نمودن حق الناس که از بزرگ ترین گناهان است.

ششم: انجام اعمالی که در میان جامعه و مردم بی اعتمادی و انحراف - فساد- ایجاد نماید. مانند عمل ناصحیح بعضی از مهندسان در ساخت و ساز که باعث بی اعتمادی مردم به جامعه مهندسی می‌گردد.

قرآن کریم، در سوره العنکبوت، ۴۰/۲۹ و (النساء، ۴/۷۸، ۷۹)، در ارتباط با اعمال مردم، به گناهان و اعمال نادرست یا همان «خیر و شر» تأکید نموده است که پاداش و جزا از جانب خداست و هیچ رنجی به انسان وارد نمی‌شود مگر آن‌که نتیجه خطا یا جزای عمل اشتباه خود او باشد ﴿إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا...﴾ (الأسراء، ۱۷/۷).
به عبارت دیگر، تمامی وقایع و سوانح بد و ناخوشایند و بلاها، نتیجه گناه است و از جانب فردی است که مرتکب آن خطا شده و خدا هرگز رنج و ناراحتی به انسان وارد نمی‌آورد. با توجه به این تفسیر، انجام گناه یا کار خلاف عقل و دانش می‌تواند به سوانح منجر شود. اغلب خسارات و تلفات انسانی در زلزله‌ها به دلیل استفاده نامطلوب از طبیعت، علم و دانش، که در اسلام گناه است، اتفاق می‌افتد. این آیات عبارتند از:
﴿فَكَلَّا أَخَذْنَا بِذُنُوبِهِ فَمِنْهُمْ مَنْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا وَمِنْهُمْ مَنْ أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ وَمِنْهُمْ مَنْ خَسَفْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَمِنْهُمْ مَنْ أَعْرَفْنَا وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ﴾ (العنکبوت، ۲۹/۴۰)؛
«هر طائفه را به کیفر گناهش مؤاخذه کردیم که بعضی را بر سرشان سنگ فروباریدیم و برخی را به صیحه عذاب آسمانی، برخی را به زلزله و گروهی دیگر را به غرق در دریا به هلاکت رساندیم و خدا به آنان هیچ ستم نکرد؛ لیکن آن‌ها خود در حق خویش ستم کردند».

﴿... إِنْ تُصِبُّهُمْ حَسَنَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَإِنْ تُصِبُّهُمْ سَيِّئَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِكَ...﴾ (النساء، ۴/۷۸)؛ «... اگر خوشی و نعمتی فرارسد گویند این از جانب خداست و اگر زحمتی پیش آید به تو نسبت دهند...».

﴿مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا﴾ (النساء، ۷۹/۴)؛ «هرچه از انواع نیکویی به تو رسد از جانب خداست و هر بدی رسد از نفس توست [ای پیامبر] ما تو را به رسالت برای راهنمایی مردم فرستادیم و تنها گواهی خدا کافیست».

نقص و یا آسیب - انحراف - در روند توسعه و ساخت و ساز نیز همانند گناه نتیجه‌ای جز بنای ناامن و خسارت و سانحه در بر نخواهد داشت. قرآن در این مورد می‌فرماید:

﴿... وَلَا تَبْغِ الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ﴾ (القصص، ۷۷/۲۸)؛ «... هرگز در روی زمین فتنه و فساد مکن که خدا مفسدان را ابداً دوست نمی‌دارد».

وقتی انسان‌ها به عنوان سازندگان بناها، مهندسین، مالکین، قانون‌گذاران یا سیاست‌گذاران، قوانین عمومی طبیعت و علمی را رعایت نمی‌کنند و از دانش موجود در اصول مهندسی و ایمنی استفاده صحیح نمی‌نمایند و یا مقررات ساختمانی را با اراده و اختیار خویش نقض می‌کنند و حقوق دیگرانسان‌ها را با انجام رفتار مخاطره‌آمیز خود رعایت نمی‌کنند، تمامی این اعمال، در نگاه اسلام مبین فساد، ضرر، آسیب و گناه است؛ که به آسیب‌پذیری، خسارت و تلفات انسانی و اقتصادی منجر می‌شود.

۵. احادیثی از پیامبر اکرم (ص)؛ احادیث و سخنان پیامبر (ص) و أهل بیتش (ع) مرجع معتبر و ارزشمندی از آموزه‌های اسلامی و مکمل قرآن کریم است. برخی از این احادیث را می‌توان با لزوم انجام عمل صالح و مسائل مرتبط با زلزله دانست:

اول: خداوند کسانی را که کار خود را به درستی و کامل انجام می‌دهند دوست می‌دارد - کمال‌گرایی -.

دوم: مردم باید برای انجام اعمال نیک اشتیاق وافر داشته باشند.

سوم: اعمال و رفتاری که با نیت خیر همراه است و نتیجه پسندیده‌ای دارد، پرستش خداوند محسوب می‌شود. ساخت و ساز صحیح مسکن و بنا را که علمی و فنی باشد و با نیت خیر انجام شود، پیامبر (ص) پرستش خدا و خدمت به خلق می‌داند.

چهارم: شخصی که همسایه‌اش از آزار او در امان نباشد ایمان ندارد؛ توسعه و ساخت

و ساز در همسایگی نباید به گونه‌ای باشد که برای همسایگان ایجاد مزاحمت، آسیب و یا خسارت مالی کند «لزوم رعایت حق الناس».

پنجم: کسانی که قوانین را نقض و حقوق مردم را پایمال می‌کنند مسلمان نیستند؛ این سخن توصیه‌ای دینی و اخلاقی در مسیر اجرای سیاست «عدم پذیرش خطا در راستای آستانه تحمل» برای هرگونه عدم رعایت مقررات و دستورالعمل‌هاست. ششم: غفلت، اساس تمامی مشکلات و خطاهاست؛ به بیان دیگر، مسلمانان موظفند پدیده زلزله را بشناسند و با به کارگیری دانش موجود در تمامی جوانب زندگی، خود را در برابر آن آماده و ایمن سازند.

هفتم: اعمال کوتاه مدت، ماندگار نمی‌شوند؛ راه کارهای کوتاه مدت برای کاهش خطر سوانح مؤثر نیستند؛ بلکه این امر به تلاش‌های بلندمدت همراه با صبر و استقامت نیاز دارد.

حدیثی از امام علی^ع: «جزء آن دسته از مردم نباشید که بدون به کارگیری دانش خود و انجام اعمال نیک در انتظار نتایج خیر هستند».

این احادیث و سخنان از بهترین ارشادات برای مسلمانان در جهت توسعه و ساخت و ساز ایمن و وسیله‌ای برای جلوگیری از بی‌توجهی، غفلت و اجتناب از تلفات در سوانح طبیعی مانند زلزله است.

ارتباط میان هدایت‌های اسلام و اصول راهبردی پیشگیری و کاهش خطرها و آسیب‌های ناشی از زلزله

در این بخش، با توجه به معانی چندبعدی قرآن، نشان داده شده که تعالیم اسلام را می‌توان با اصول راهبردی کاهش خطرپذیری سوانح منطبق و از آن به عنوان مبنا یا انگیزه افزایش کاهش خطرپذیری در میان جوامع مذهبی، به ویژه کشورهای اسلامی استفاده نمود. می‌توان گفت که مهم‌ترین نعمت‌های خداوند به انسان هدایت، توانایی، عقل و دانشی است که برای انجام اعمال صالح در اختیار وی قرار داده که مبتنی بر دانش و شناخت است و تأثیر رفتارهای صحیح و نادرست در ساخت و ساز، جامعه و محیط زیست را می‌توان خلاصه نمود.

براساس این نگرش، پاداش «اعمال نیک و صحیح» که مبتنی بر تعالیم پروردگار و با

باور انسان همراه است، به توسعه پایدار، ایمنی و حیات در جوامع بشری منجر می‌شود. گفته شده که انسان چگونه می‌تواند با پیروی از قوانین و اصول اسلامی، خود را بشناسد و به بیان مذهبی آن، به بهشت به عنوان هدف غایی خود دست یابد. در این جهان بهشت به معنای یک زندگی پر نعمت، ایمن، سالم، شاد و توأم با آرامش است. بر این اساس، «باور» و انجام اعمال نیک را می‌توان به شرح ذیل تفسیر نمود:

ایمان: اعتقاد به این‌که هدایت خالق برای زندگی و عملکرد انسان‌ها بهترین است. انسان به وسیله اراده، آگاهی و دانش به هدایت خالق خویش که هدایتی جامع و شامل تمامی جوانب زندگی است، تشویق می‌شود. اعتقاد به عقل، حقایق و مهارت‌ها همچنین پذیرش، احترام گذاشتن و تبعیت از قوانین و مقررات مذهبی - معنوی -، فردی، اجتماعی و تخصصی؛ بنابراین، اسلام مردم را ترغیب می‌نماید که زلزله را به عنوان یک پدیده طبیعی و قانون زمین باور نموده و براساس این باور، آن‌ها را به انجام رفتار و عمل نیک تشویق می‌نماید.

انجام اعمال نیک: رفتار صحیح بر پایه صحیح‌ترین باورها و بهترین دانش است. این امر در ارتباط با زلزله و ایمنی به معنای برنامه ریزی و توسعه متناسب با خطرها، تبعیت از آیین‌نامه‌های ساخت و ساز، پیروی از متخصصین، به کار بردن ساختار ایمن لرزه‌ای و بالاخره به کارگیری دانش و مهارت در استفاده بهینه از بخشندگی خداوند و طبیعت است.

در مواردی که مردم اعمال نادرست انجام داده یا مسیر صحیح را دنبال نمی‌کنند، مجازات آن‌ها خسارت و تلفات است که از سوانح نشأت می‌گیرد. به عبارت دیگر، اعمال نادرستی که از بی‌توجهی و غفلت انسان و عدم استفاده از منطق مناسب ناشی می‌شود در زبان الهیات «گناه» نامیده می‌شود؛ بنابراین، خسارات و سوانح عمدتاً از رفتارهای نادرست و اعمال نامناسب انسان ناشی می‌شود. این توضیح ساده‌ای از مفاهیم و بیاناتی است که بلایا را نتیجه گناه بیان می‌کنند. جهنم، که نتیجه گناه است، به زندگی همراه با عذاب یا رنج، خسارت، عدم پیشرفت جامعه و اطلاق می‌شود؛ بنابراین، سوانح، خشم خدا و یا عصبانیت او از انسان نیست؛ بلکه نتیجه اعمال نادرست و عدم پیروی از دستورات الهی در تمامی جوانب زندگی ما است.

کشتی نوح، نمونه بارزی از ساخت ایمن در برابر سوانح

داستان حضرت نوح^(ع) و تجربه رویارویی او با سانحه طوفان، یکی از بهترین نمونه‌ها برای آموزش در هر آیینی است.

قرآن در این راستا می‌فرماید: «ما وحی کردیم که در حضور ما و به وحی و دستور ما به ساختن کشتی پرداز تا آنگاه که فرمان ما آمد و آب از تنور فوران کرد ... به شفاعت ستمکاران با من سخن مگو که البته آن‌ها باید همه غرق شوند» (المؤمنون، ۲۳/۲۷).

درس‌هایی که از داستان نوح^(ع) آموخته می‌شود، عبارتند از:

۱. خداوند به پیامبر خود [نوح] فرمود: جهت ایمن ماندن در برابر سیل و طوفان دریایی سهمگین، کشتی با نظارت دقیق و مطابق دستور خداوند بسازد.

۲. ایمنی تنها به شرط داشتن آمادگی، حتی، در برابر خطرناک‌ترین سوانح به دست می‌آید.

۳. حفاظت خدا از پیامبر خود نیز با احترام به قوانین طبیعت که مبتنی بر عقل، دانش و توانایی‌های انسان بوده‌اند به دست آمد؛ لذا باید برای نجات از سیل کشتی ساخته شود تا جان پیامبر و یارانش حفظ شود.

در اسلام داستان‌ها و نمونه‌های مشابهی از این قبیل وجود دارد که آموزش‌های مشابهی در زمینه رویارویی با سوانح و داشتن عملکرد صحیح در برابر آن را آموزش داده تا با کاربرد آن‌ها خسارات و مرگ و میر کاهش یابد.

چرا جوامع اسلامی با این آموزه‌های متعالی در برابر سوانح بسیار آسیب پذیرند؟

این سؤال بسیار مهمی است که چرا کشورهای اسلامی با وجود داشتن هدایت و دانش فطری غنی در مواجهه با چنین سوانحی، نتایج رضایت بخشی در کاهش خطر زلزله ندارند و بسیار آسیب پذیرند. ساده‌ترین پاسخ این است که متأسفانه اکثر مسلمانان به طور کامل از اسلام و تعالیم اسلامی پیروی نمی‌کنند.

سید جمال الدین اسدآبادی، دانشمند اسلامی اوایل قرن بیستم، پس از سفر به برخی از کشورهای غربی، چنین بیان کرد: در غرب، اسلام دیده می‌شود؛ اما مسلمان نه و در کشورهای اسلامی مسلمان هست؛ اما اسلام نیست.

منظور از سخن وی این است که کشورهای غربی با انجام اعمال صحیح و درست،

احترام به قانون، به کاربردن دانش و سخت کوشی برای دست یابی به توسعه از تعالیم اسلامی تبعیت می‌کنند. متأسفانه در آن زمان اغلب کشورهای اسلامی توسط فرمانروایان بی کفایت و مدیریت‌های نادرست اداره می‌شدند و با بی توجهی به روند توسعه، از دانشی که پایه گذار توسعه بوده، استفاده نمی‌کردند. در نتیجه توسعه‌ای ناپایدار در برابر سوانح طبیعی به وجود آمد.

پاسخ به این سؤال همچنین با ژرف نگری در تاریخ کشورهای اسلامی از پیش از اسلام تاکنون به شرح ذیل خلاصه می‌شود:

پیش از اسلام: در این دوره غفلت و نادانی و جاهلیت در کشورهای اسلامی امروزه، حکم فرما بود.

پس از شروع اسلام: توسعه تدریجی و گسترش دانش مبتنی بر تعالیم اسلامی شروع گردید و تا قرون ۱۵ و ۱۶ که اوج تمدن اسلامی - ایرانی بود، ادامه داشت. از قرن ۱۶ تا اواسط قرن ۲۰، مردم به دست آوردهای برجسته خود می‌بالیدند که این امر به بی توجهی، غفلت و تغییر شکل تعالیم حقیقی اسلام و آمیخته شدن این تعالیم با فرهنگ خرافات منجر شد. تحت این شرایط، سوانح، «خشم خدا» و ایمنی، «اراده خدا» تلقی گردید؛ بنابراین مردم توانایی مواجه شدن با بلاهای طبیعی را از دست دادند و پیشرفت‌های قرن نوزده و بیستم اکثر این کشورها متناسب با سطح خطرهای طبیعی نبود و خطر سوانح با توسعه شهری و روستایی به میزان زیادی افزایش یافت.

امروزه: اسلام در دهه‌های اخیر به ویژه پس از انقلاب اسلامی دوباره احیا شده و به تعالیم حقیقی خود بازگشته است. این دوره را می‌توان دوره رنسانس اسلام نامید. امید است در این دوران بتوان با توجه مجدد به خرد و دانش و استفاده صحیح از طبیعت، شاهد کاهش خطرپذیری و توسعه پایدار کشور با وجود سوانح طبیعی بود.

نتیجه گیری

در این مقاله بر نگرش اسلام به سوانح و بلاها و چگونگی ایجاد انگیزه مذهبی برای جدی گرفتن خطرهای ناشی از سوانح در میان مسلمانان تأکید شد که این کار از طریق شناخت، درک و استفاده از دانش موجود، انجام اعمال صحیح در راستای سیاست‌ها و اقدامات مؤثر در زمینه کاهش خطرپذیری زلزله انجام پذیر خواهد بود. خلاصه این

مبحث عبارتند از:

۱. اشاعه دانش و آگاه نمودن مردم از خطرهای باید متناسب با باورها و فرهنگ آنها باشد. نگارنده معتقد است که آموزش و توسعه دانش سوانح، طریقه مؤثری برای ارتقاء ایمنی در کشورهای اسلامی است.

۲. «حیات» و توسعه پایدار از طریق ایمان، دانش و اعمال صحیح میسر و دست یافتنی خواهد بود. اگر از عقل و دانشی که خداوند بخشنده در اختیار انسان قرار داده، استفاده نشود، وقوع سوانح و تبعات آن اجتناب ناپذیر و ناشی از گناه، بی خردی و جهالت است.